



Methodological Evaluation of Modern Interpretation of “Shahid” by Shahrour

Mohammad Moradi¹  | Mohammad Hadi Safari²  

1. Assistant Professor, Department of Quran Sciences, Faculty of Quranic Sciences and Studies, University of Quran and Hadith, Qom, Iran. Email: moradi_215@yahoo.com

2. Corresponding Author, PhD, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quran Sciences and Studies, University of Quran and Hadith, Qom, Iran. Email: haadi.safari@chmail.ir

Abstract

Mohammad Shahrour is one of the contemporary religious scholars, whose works are full of contemporary interpretations, with the approach of Quranic sufficiency and to resolve the conflict between religion and the modern world. One of his topics is the analysis of the Quranic concept of "Shahīd" and its derivatives in the Holy Quran. He did not consider Shahīd as the common meaning of being killed for the sake of God, but he considers its interpretation in today's world to be "inventors" and "reporters"! Using the analytical-critical method, this research tries to analyze the methodology of contemporary interpretation from Shahrour's point of view. His research may be evaluated in the four models of data mining, analysis of text elements, analysis of subtext elements, and analysis of meta-text elements. After examining all verses in the data mining stage, stagnation on the lexical etymology of the words of the Quran does not play a role in knowing the truth of the Quranic words. Verbal commonalities of Quranic terms are transformed and found in truth in the light of evidence such as the context of the text and historical and religious usages. The word "shahīd" and its derivatives, according to commentators such as Sheikh Tousī, are used in seven ways in the Holy Quran, one of which is the common meaning. The origin of the difference of opinion in the interpretation of words and the extension of the essence of the meaning of words to their other uses is related to the difference of opinion in the discussion of the placement of words. On the other hand, the absence of a declining sign in a certain instance and the non-change of the nature of the word are among the conditions of adherence to the generality of the word in the process of modernizing religious texts. Also, in the process of modernizing religious texts, it is necessary to avoid istihsān matching and adaption. The semantic connection of the appearance of the text with the contemporary meaning is a criterion of contemporary interpretation.

Keywords: Contemporary Commentary, Shahīd, Quran Sufficiency, Mohammad Shahrour.

Cite this article: Moradi, M., & Safari, M. H. (2024). Methodological Evaluation of Modern Interpretation of “Shahid” by Shahrour. *Quranic Researches and Tradition*, 57 (1), 91-109. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2024.364764.670246>



Article Type: Research Paper

Received: 20-Sep-2023

Received in revised form: 11-Mar-2024

Accepted: 29-Apr-2024

Published online: 10-Sep-2024

ارزیابی روش شناختی تفسیر عصری «شهید» از دیدگاه شحرور

محمد مرادی^۱ | محمدهادی صفری^۲

۱. استادیار، گروه علوم قرآن، دانشکده علوم و معارف قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. رایانامه: moradi_215@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. رایانامه: haadi.safari@chmail.ir

چکیده

محمد شحرور یکی از دین‌پژوهان معاصر است که آثارش با رویکرد قرآن‌بسنده‌گی و با هدف رفع تعارض دین و دنیای مدرن، مشحون از تأویلات عصری است. یکی از مباحث او، واکاوی مفهوم قرآنی «شهید» و مشتقات آن در قرآن کریم است. او شهید را به معنای مصطلح رایج آن، کشته راه خدا ندانسته و تأویل آن را در دنیای امروز «مخترعان» و «خبرنگاران» می‌داند! این پژوهش کوشیده است به روش تحلیلی-انتقادی، روش‌شناسی تفسیر عصری از دیدگاه شحرور و رهیافت آن را بررسی کند. پژوهش‌های شحرور در الگوهای چهارگانه داده‌کاوی، تحلیل عناصر متن، تحلیل عناصر زیرمتن و تحلیل عناصر فرامتن، قابل ارزیابی است. پس از بررسی تمام آیات در مرحله داده‌کاوی، جمود بر ریشه‌شناسی لغوی واژگان قرآن، نقشی در شناخت حقیقت قرآنی واژه ندارد. اشتراکات لفظی مفردات قرآنی، در پرتو قرائنی همچون سیاق متن، استعمالات تاریخی و شرعی تحول و حقیقت یابند. واژه «شهید» و مشتقات آن، بنابر دیدگاه مفسرانی مانند شیخ طوسی، بر وجوه هفت‌گانه در قرآن کریم استعمال شده که یکی از آنها به معنای مصطلح است. خاستگاه تفاوت نظر در تفسیر واژگان و تسری گوهر معنای واژگان به سایر استعمالات واژه، با اختلاف دیدگاه به بحث وضع الفاظ مربوط است. از سویی دیگر، نبودقرینه منصرف در مصداقی معین و تعبیر نیافتن ماهیت واژه از شرایط تمسک به عموم لفظ در فرآیند عصری‌سازی متون دینی است. همچنین در فرآیند عصری‌سازی متون دینی، باید از جری و تطبیق استحسان‌پرهیز نمود. ارتباط معنایی ظاهر متن با معنای عصری یکی از ضوابط تفسیر عصری است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر عصری، شهید، قرآن‌بسنده‌گی، محمد شحرور.

استناد: مرادی، محمد، و صفری، محمدهادی (۱۴۰۳). ارزیابی روش شناختی تفسیر عصری «شهید» از دیدگاه شحرور. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۷ (۱)، ۹۱-۱۰۹.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2024.364764.670246> بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰



مقدمه

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و انفجار برج‌های دوقلو در امریکا، و القای وانهادن مسئولیت آن به گروه القاعده در رسانه‌های جهان، موجی از اسلام‌هراسی سراسر جهان را فراگرفت. دکتر محمد شحرور (۱۹۳۸-۲۰۱۹ م)، قرآن‌پژوه معاصر سوری، با نگارش کتاب تجفیف منابع الازهاب، بن‌مایه‌های نظری اعمال تروریستی را معرفی کرده و تفسیری معاصرانه و متفاوت از مفهوم شهادت ارائه داد. وی یکی از ریشه‌های اعمال تروریستی در جهان را، باورمندی مسلمانان به فضیلت‌مندی «جهاد» و «شهادت» دانست که باید آن را از اساس خشکاند (شحرور، ۲۰۰۸: ۵۵)؛ دو مفهومی که در قرآن از جایگاه والایی برخوردارند. در آیات قرآن کریم (حج: ۷۸؛ توبه: ۲۰، ۸۰، ۱۱۱؛ نساء: ۷۴) بر اهمیت و فضیلت این دو تأکید شده است.

وی با ابداع الگوهای نوین تفسیری، جهاد و شهادت را فاقد ارزش و فضیلت معرفی نموده است. او در کتاب الإسلام و الایمان منظومة القیم، به بررسی مفهوم قرآنی «شهید» پرداخته و بر آن است که شهید به معنای مصطلح، در قرآن استعمال نشده و این معنا، در فرآیند اجتهاد فقیهان تحول معنایی یافته است. او از رهگذر ریشه‌شناسی واژگان، تمایز «شهید» و «شاهد» را در دو عنصر «حضور» و «معرفت» دانسته و در نهایت، «شاهد» را کسی می‌داند که به اکتشاف علمی دست می‌یابد. شحرور، فیلسوفان، ریاضی‌دانان و فیزیک‌دانانی همچون آلبرت اینشتین^۱ را از جمله «شاهدان» می‌داند. اما «شهید» کسی است که بر پایه تجربه و معاینه حضوری به اکتشاف عملی امری که از دید مردم پنهان و غیب است، بپردازد. مثلاً الکساندر فلیمنگ^۲، مخترع پنیسیلین و خبرنگارانی که ظلمی را از ظالمی مشاهده و آن را مخابره می‌کنند، شهید هستند. و یا پزشک هلندی که ویروس وبا را کشف نمود و بدین‌سان، حیات بسیاری از انسان‌ها را تضمین نمود، «سید الشهداء» است (شحرور، ۱۹۹۶: ۲۵۱-۲۶۳)!

چنین برداشتی از دو مقوله یاد شده باعث گردید که از چند جهت مورد مذاقه و بحث قرار گیرد؛ دقت در روش و مبنای فکری شحرور که به چنین نتیجه‌ای رسیده است و تلاش برای کشف واقعیت معنا به‌ویژه با توجه به این که چنین رویکردی منجر به هرج و مرج در دین‌پژوهی می‌شود. این پژوهش هم از جهت مبنا ضرورت دارد و هم از جهت روشی و موردپژوهی و صغروی بایسته است.

بر این اساس، پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که دیدگاه‌های عصری‌گرایانه شحرور در تفسیر مفهوم «شهید» در قرآن کریم بر پایه چه مبانی و الگوهای شکل گرفته و از منظر روش‌شناختی چگونه ارزیابی می‌شوند؟

^۱ Albert Einstein.

^۲ Alexander Fleming.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های سامان‌یافته پیرامون نظریه‌های تفسیری شحرور، حاکی از آن است که پژوهش‌هایی با عنوان «بررسی دیدگاه محمد شحرور در تفسیر نواندیشانه او» (رجب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۹)، «ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم» (فتاحی‌زاده و لنگرودی، ۱۳۹۹: ۴۵) و «رویکرد محمد شحرور به سنت و گستره حجیت روایات» (بقری و نفیسی، ۱۳۹۳: ۷) به نقد مبانی و رویکردهای تفسیری او به نحو عام پرداختند نه به صورت مصداقی و موضوع‌محور. برخی مقالاتی که پیرامون بررسی مفهوم «شهادت» در قرآن کریم به رشته تحریر درآمده‌است، «شهید» به معنای مصطلح را فاقد خاستگاه قرآنی دانستند. آنان، حدیث‌سالاری را منشأ ارتباط معنایی «شهید» و «مقتول فی سبیل الله» دانستند (خاکپور و شاهنده، ۱۳۹۷: ۱۵۶) که نوشتار حاضر، به نقد مبانی نظری و تصدیقی این اندیشه خواهد پرداخت. برخی نیز در انسجام و هماهنگی با دیدگاه سایر مفسران به خاستگاه قرآنی مفهوم «شهید» به معنای مصطلح اشاره نمودند (جانی‌پور، ۱۳۹۲: ۸۸؛ منتظری و خانی، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

الگوی داده‌کاوی^۳

یکی از مؤلفه‌های مهم در تفسیر موضوعی آیات قرآن کریم، الگوهای استخراج داده از متن در موضوعات گوناگون است. این مسأله بدان جهت در بررسی آثار شحرور حائز اهمیت است که وی با ابداع تقسیم‌بندی نوین از آیات قرآن کریم، فقط یک قسم از آیات را لازم‌الاجرا و مطمح نظر دانسته‌است. این الگو، ریشه در بن‌مایه‌های فکری شحرور دارد.

شحرور در نخستین گام پیشاتفسیری آیات، الگویی برای داده‌کاوی آیات تعریف نموده و نظریه‌های تفسیری خود را بر پایه آن استوار ساخته‌است. وی بر اساس آیه ۷ سوره آل عمران، مجموعه آیات نازل شده را به دو دسته «آیات القرآن» و «آیات الکتاب» تقسیم می‌کند. «آیات القرآن» یا «آیات النبوة» که با ساحت نبوت پیامبر مرتبط است، شامل تفصیل الکتاب (تقسیم‌بندی‌های ذکر شده در آیات) و آیات متشابه می‌شود که محتوای آنها بر اساس معارف عصری تغییرپذیر و در حرکت هستند.

«آیات القرآن» که گزاره‌هایی موضوع‌محور^۴ هستند، تکلیف‌آور نیستند و صرف ایمان به حقانیت آنها کفایت می‌کند. برای نمونه، آیات قصص پیامبران، شناخت تاریخی انسان و قوانین عام سنت‌های الهی در این دسته قرار دارند. در مقابل، «آیات الکتاب» قرار دارد که با ساحت رسالت پیامبر مرتبط است، شامل آیات محکم (ام‌الکتاب) است که محتوای آن لازم‌الاجرا و مقتضیات زمان در تغییر و

3. Data Mining.

4. Objective.

تحول آنها اثرگذار نیست. «آیات کتاب» که گزاره‌هایی ذاتی^۵ هستند، همچون آیات الاحکام تکلیف‌آورند (شحرور، ۱۹۹۰: ۱۰۳-۱۳۸).

شیوه تشخیص و تمییز میان «آیات کتاب» و «آیات القرآن»، مخاطب‌شناسی آیات است. به باور شحرور، اگر قرآن برای عصر ما نازل شده، چاره‌ای جز شناخت روابط دیالکتیک^۶ دوسویه‌گویی و مخاطب نیست. یعنی اگر گوینده را خدا و مخاطب آیه‌ای را پیامبر، و موضوع آیه را مربوط به ساحت نبوت ایشان بدانیم، در زمره «آیات القرآن» است و فاقد ضمانت اجرایی است. اما اگر گوینده را خدا و مخاطب آیه‌ای را مؤمنان و موضوع آیه را مربوط به ساحت رسالت پیامبر بدانیم، در زمره «آیات کتاب» است و دارای رویکرد اجرایی است (همان: ۲۰۸-۲۰۹).

محمد شحرور، گستره دلالت آیه «كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ وَ هُوَ كَظَمَ لَكُمْ» (بقره: ۲۱۶) مبنی بر وجوب و کراهیت قتال را فرازمانی و فرامکانی، منطبق با تمام اعصار می‌داند، اما آیه «وَ أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ» (بقره: ۱۹۱) را منحصر در رخدادی انقضا یافته و فاقد ضمانت اجرا می‌داند (شحرور، ۲۰۰۸: ۹۴). او منظومه‌ای از آیات در موضوع جهاد و شهادت را با همین شیوه کنار گذاشته، و شأن آن را قصه‌گویی معرفی کرده و می‌نویسد: «فكُلُّ آيَاتِ الْقِتَالِ الَّتِي وَرَدَتْ لِتَغْطِيَةَ أَحْدَاثٍ مِثْلَ غَزْوَةِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ وَ الْخَنْدَقِ وَ تَبُوكَ وَ فَتْحِ مَكَّةَ وَ خَيْبَرَ عِبْرَةٌ شَأْنَهَا شَأْنُ قِصَصِ مُحَمَّدِي تَدْخُلُ فِي النُّبُوَّةِ لَا فِي الرِّسَالَةِ وَ لَا تَتَّخَذُ مِنْهَا أَحْكَامًا وَ إِنَّمَا هِيَ عِبْرَةٌ شَأْنَهَا شَأْنُ قِصَصِ» (همان: ۱۳۶): همه آیه‌های جنگ که برای پوشش دادن رخدادهایی مانند جنگ بدر و احد و خندق و تبوک و فتح مکه و خیبر مطرح شده‌اند، در صدد بیان قصه‌های محمد هستند که به حوزه نبوت او و نه رسالتش مربوط است و از آن احکام به دست نمی‌آید و نقش آن‌ها مانند دیگر قصه‌ها عبرت‌گیری است.

۱-۱. ارزیابی روش‌شناختی الگوی داده‌کاوی

مهم‌ترین اشکال تفسیر محمد شحرور این است که او دیدگاهش را بر پایه داده‌کاوی ناقص بنیاد گذاشته است. او با طرح نظریه «آیات کتاب» و «آیات القرآن»، به مخدوش کردن منظومه‌ای از آیات قرآن کریم پرداخته و آن‌ها را از بهره‌برداری می‌اندازد و اعتبارشان را از میان می‌برد. این درحالی است که آیات مربوط به غزوات پیامبر اکرم (ص) - که شحرور آنان را در حوزه احکام فاقد اعتبار می‌داند - گستره وسیعی از آیات است. در سوره‌های آل عمران آیه ۱۲۳ و انفال آیات ۴۳، ۴۴، ۱۰، ۹، ۸، ۷ به جنگ بدر، سوره احزاب آیه ۲۰ به جنگ احزاب و سوره توبه آیه ۲۵ به جنگ حنین به صورت مستقیم و با ذکر نام جنگ‌ها، و به صورت غیر مستقیم و همرا با یادکرد رخدادهای جنگ حمراء الاسد در سوره آل عمران آیات ۱۷۴ و ۱۷۳، جنگ بنی قریظه در سوره احزاب آیات ۲۵-۲۷، جنگ بنی‌مصطلق در سوره حج آیات ۱-۲، جنگ خیبر در سوره فتح آیه ۲۰، جنگ فتح المبین در سوره فتح آیه ۲۴، جنگ تبوک در سوره توبه آیه ۱۱۷، جنگ احد در سوره آل عمران آیه ۱۶۶، جنگ ذات‌السلاسل در سوره

^۵. Subjective.

^۶. Dialectic.

عادیات آیه ۱-۵، جنگ بنی‌نظیر در سوره حشر آیات ۱-۷ اشاره دارد. و این‌ها در طول زمان مورد استفاده فقیهان و متکلمان و عالمان اخلاق قرار گرفته و تعهدآور بوده‌است.

بر خلاف باور شحرور - که دسته‌ای از آیات را موضوع‌محور دانسته که تکلیف‌آور نیستند - آن‌ها دلیل و مستند برخی از احکام فقهی عالمان مسلمان هستند. از جمله آیه ۷ سوره حشر که به آیه «فیء» شهرت دارد، به غزوه بنی‌نضیر مربوط است و بر اساس آن، حکم اموالی که بدون جنگ و با صلح به دست مسلمانان می‌افتد، تبیین شده‌است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹: ۵۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۳: ۵۰۳-۵۰۴).

از سوی دیگر، بسیاری از آیات این دسته، صرفاً به بیان قصه یا رخدادی تاریخی اکتفا نکرده‌اند که آن را انقضا یافته قلمداد کنیم. بلکه از بستر روایت رخدادی خاص، با تبیین معیار حکم به قاعده‌ای عمومی تبدیل شده‌است. این یعنی امکان چنین برداشتی از چنان آیاتی وجود دارد. افزون بر این، خود شحرور به آیه ۱۹۱ سوره بقره استناد کرده و به تبیین حکم فقهی پرداخته‌است که در صورت گرویدن مشرکان به اسلام و رویگردانی از کفر، متارکه جهاد با مشرکان لازم است (طوسی، بی‌تا: ج ۲: ۱۴۶-۱۴۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۵: ۲۹۰-۲۹۱). بنابراین نمی‌توان به صرف ذکر مکان یا زمانی خاص در آیه، کل آیه را نادیده انگاشت. چراکه تمام قرآن کریم - حتی بر اساس دسته‌بندی آیات القرآن و آیات کتاب که شحرور مطرح کرده - دارای شأن و فضای نزولی خاص بر اساس قضایایی که به امور جزئی و رخدادی خاص مربوط هستند که از آنها با عنوان قضایای شخصیه یا خارجیه یاد می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ج ۴: ۲۹۰). تحقق یافته و با این وضعیت، باید تمام قرآن را منقضی بدانیم.

قواعد و گونه‌های توجه به مخاطب آیات و برقراری روابط دیالکتیک متن - مخاطب به منظور دستیابی به گستره دلالت و قابلیت عصری‌سازی آن در مباحث قرآنی مطرح شده‌است (سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۳۷۳؛ ج ۱۱، ۵۴). یکی از پربسامدترین قاعده توجه به وضعیت مخاطب در مباحث تفسیری، قاعده «اعتبار عمومیت الفاظ و اکتفا نکردن به مورد نزول» نام دارد. بر اساس این قاعده، اگر آیه‌ای درباره کسی و یا چیزی نازل شده باشد و الفاظ آیه اما ظرفیت معنای عام داشته باشند، حکم آیه منحصر به سبب نزول خاص نیست و الفاظ معنای عام دارند و تکلیف‌آور هستند. عام و شامل بودن دایره الفاظ قرآن، دلیل احکام شرعی است و سبب نزول، تنها انگیزه‌ای برای بیان آن حکم عام است (زرکشی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۲۶؛ حکیم، ۱۳۷۸: ۴۰). بنابراین، نمی‌توان زمان حکم آیاتی را که سبب خاصی برای نزول دارند را منقضی دانست؛ زیرا سبب خاص، موجب اختصاص یافتن حکم به مورد نزول نمی‌شود.

۲. الگوی تحلیل عناصر متن^۷

موضوع الگوی تحلیل عناصر متن، توجه به روش‌های مفهوم‌شناسی و یافتن حوزه معنایی واژگان متن است. یافتن گوهر معنای عبارت و واژه یا یافتن دلالت مفهوم واژه، می‌تواند به تمایز در یافته‌ها و نتیجه پژوهش منجر شود. الگوریتم‌های رمزگذاری شده برای مفهوم‌شناسی و یافتن حوزه معنایی واژگان، ممکن است بر اساس روابط گوهر معنای واژگان یا دلالت مفهوم و مصداق آن‌ها و سپس خوشه‌بندی آن‌ها صورت گیرد (کریمی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۳-۱۱۴).

آنچه در این بخش از الگوی تفسیری شحرور اصالت دارد، محوریت یافتن گوهر معنای واژه است. او تلاش می‌کند که ابتدا با یافتن گوهر معنای واژگان به مفهوم‌شناسی شبکه‌ای واژگان دست یابد و سپس تصویر واژه مورد پژوهش را در پرتو سایر واژگان حوزه معنایی و متناظر با آنان ارائه دهد. او با استناد به آیات متعددی همچون سوره‌های بقره آیه ۱۸۵، مائده آیه ۱۱۷، نساء آیه ۱۵ و ... به کاوش پیرامون معنای لغوی شهید پرداخته است (شحرور، ۲۰۰۸: ۶۷). او در ابتدای فصل دوم کتاب الإسلام و الایمان منظومة القيم، به شش واژه در حوزه معنایی «شهید» اشاره می‌کند: «جاء / أتى / نظر / أبصر / رأى / شهد» (شحرور، ۱۹۹۶: ۱۹۳). به گمان شحرور بین افعال شش‌گانه، ارتباط و قدر مشترک و همچنین بین متکلم و مخاطب آن‌ها تمایز وجود دارد. تمایز این افعال عبارت است از ارتباط داشتن متکلم به وسیله تجربه و حواس و شهود؛ در حالی که شنونده از آن فقط تصویری ذهنی دارد (همان: ۱۹۴-۱۹۵).

و أتیناک ← بالحق ← وإنا لصادقون (متکلم)

إئتتنا ← بعذاب الله ← إن كنت من الصادقین (مخاطب)

او شهادت شهید در قرآن را متوقف بر دو شرط می‌داند؛ نخست، شهادت حضوری و علم شهید به موضع شهادت از طریق گوش و چشم؛ و دیگری ادای شهادت یا آمادگی برای ادای آن در زمانی که از او طلب شهادت شده است. شحرور سپس نتیجه می‌گیرد که شهید و شهادت، هیچ ارتباطی به مرگ و قتال ندارند: «الشهادة و الشهيد لاعلاقة لهما بالقتل و القتال و الموت. و الشهيد لا يمكن أن یسمى شهیداً إلا و هو علی قید الحیاة، و أن یقدم شهادة علنیة» (همان: ۲۱۵). نظیر کسی که هنگام عقد قرارداد بیع برای شهادت دیداری و شنیداری حضور دارد و قرآن کریم در آیه ۲۸۲ سوره بقره «و استشهدوا شهیدین من رجالکم» از او تعبیر به «شهید» نموده است (شحرور، ۲۰۱۶: ۱۹۶). شحرور که در موارد بسیاری به تأثیرپذیری قرآن کریم از کتب مقدس آیین‌های پیشین باورمند است (شحرور، ۲۰۱۰: ۵۷-۶۰)، معتقد است که رواج معنای اصطلاحی «شهید» در فرهنگ اسلامی، متأثر از نفوذ فرهنگ مسیحی است و خاستگاهی قرآنی ندارد (شحرور، ۲۰۰۸: ۱۹۹-۲۰۰).

7. Text.

۲-۱. ارزیابی روش شناختی الگوی تحلیل عناصر متن

در اینجا باید به این پرسش پاسخ دهیم که ملاک در فهم عناصر و بافتار متن چیست؟ آیا برای دریافت معانی الفاظ، باید بر گوهر معنا و جمود بر ریشه‌شناسی هر واژه تمرکز و تأکید کنیم؟ یا باید حقیقت لفظ را در بستر و بافتار متن بیابیم؟ یا در میانه دو دیدگاه، از رهگذر ریشه‌شناسی به حقیقت لفظ دست یابیم؟ الگوی تحلیل عناصر متن از دیدگاه شحرور، توجه به گوهر معنای واژگان و جمود بر ریشه‌شناسی واژگان متن است. سپس به توسعه آن پرداخته، و برای هر یک از ریشه‌های واژگان، شبکه‌ای از واژگان قرآنی مترادف یافته و هر واژه را، در بستر واژگان شبکه‌ای متقارب معنا می‌کند. در پایان، معنای برخاسته از ریشه واژه را به تمام استعمالات قرآنی تسری داده و تحمیل می‌کند. به گونه‌ای که تمام واژگان مشترک لفظی یک هویت واحد می‌یابند. این نوع از الگوی تحلیل عناصر متن بر اساس ریشه‌شناسی واژه، عوارضی در پی دارد که از جمله، دور شدن از مراد و مقصود متکلم، نادیده انگاری بافتار متن و تحمیل پیش‌فرض‌های دلالتی بر متن است.

شحرور بر اساس جمود بر ریشه‌شناسی و گوهر معنا، معتقد است که «شهید» و مشتقات آن در سراسر قرآن کریم به معنای «گواه» است. مذمت شهید به معنای مقتول در قرآن، از جمله اشکالاتی است که وی به مفهوم مصطلح «شهید» بر اساس این دیدگاه مطرح کرده است. با تغییر الگوی تحلیل عناصر متن بر اساس ریشه‌شناسی، این اشکال نیز مرتفع می‌شود.

دیدگاه دیگر الگوی تحلیل عناصر متن، حقیقت‌یابی واژگان در بافتار متن است. این مسأله در علم اصول در بخش مباحث الفاظ، علم منطق و دانش قواعد تفسیر با عناوینی همچون «حقیقت»، «حقیقت شرعی»، «حقیقت متشرعه» و «عرف قرآنی» مطمح نظر دانشیان است. این الگو، لزوماً به انکار ریشه واژه نمی‌پردازد، بلکه گوهر معنا می‌تواند هویت خود را در واژه حفظ می‌کند، اما ماهیت و حقیقت نوینی در بافتار متن می‌یابد.

الگوی تحلیل عناصر متن بر اساس حقیقت‌یابی در بافتار متن، خاستگاه مفهوم مصطلح «شهید» در قرآن کریم را تأیید و انگاره مطرح شده توسط شحرور مبنی بر تحول معنایی مفهوم «شهید» به «مقتول فی سبیل الله» در اعصار پسین یعنی دوران ائمه و فقها یا پیش از عصر نزول (تأثیرپذیری از کتب مقدس) و خاستگاه غیروحیانی آن را مردود می‌داند.

«شهید» و مشتقات آن در قرآن در هفت معنا به کار رفته است که عبارتند از: پیامبران، فرشتگان ثبت کننده اعمال انسان‌ها، امت حضرت محمد (ص)، کشته شدگان راه خدا، گواهی دهنده پیرامون حقوق خلق، حاضر و شریک. از جمله آیاتی که مشتقات شهید به معنای «مقتول فی سبیل الله» به کار رفته، می‌توان به آیات ۶۹ سوره نساء و ۱۹ حدید اشاره نمود (دامغانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۴۶۹-۴۷۱). برخی از مفسران مقصود از واژه «الشهداء» در آیه ۱۴۰ سوره آل عمران را به معنای شهید مصطلح دانسته که سیاق آیه هم که پیرامون جهاد و پیکار با کفار در جنگ احد است، مؤید آن دانسته‌اند (نحاس، ۱۴۲۱: ج ۱، ۱۸۱؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۶۰۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۲۰؛ راغب اصفهانی،

۱۴۲۴: ج ۲، ۸۷۹-۸۸۰). از آنجایی که محور استدلال‌های شحرور، آیه ۶۹ سوره نساء است، موارد زیر را به اختصار بررسی می‌کنیم:

۱. بسیاری از مفسران، مراد از «الشهداء» در این آیه را «القتلی فی سبیل اللّٰه» و «هم الذین استشهدوا فی سبیل اللّٰه» ذکر نموده‌اند (رک. ماوردی، بی‌تا: ج ۱، ۵۰۴؛ ماتریدی، ۲۰۰۵: ج ۳، ۲۴۸؛ جرجانی، ۱۴۳۰: ج ۱، ۵۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۹، ۳۷۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۲، ۷۶).

۲. بر اساس گزارش‌های پیرامون شأن نزول آیه، جایگاه اطاعت‌کنندگان از خدا و رسول، همراهی و هم‌نشینی با پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان در آخرت است (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ج ۳، ۹۹۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۹۶) و چنان‌که شحرور پنداشته، همراهی و هم‌نشینی دنیایی مراد آیه نیست.

۳. «الشهداء» در تفاسیر تأویلی به شهیدان در جنگ و کشته‌شدگان گفته می‌شود (طبرانی، ۲۰۰۸: ج ۲، ۲۶۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۹۸).

۴. آیات پیشین و پسین این آیه، پیرامون جهاد و شهادت است و این آیه برای تشویق مجاهدان نازل شده است (همدانی، ۱۴۲۶: ۱۰۱).

۵. بر پایه روش تفسیر قرآن به قرآن، آیات ۶ و ۷ سوره حمد در پرتو این آیه تفسیر می‌شود. لذا معنایی که شحرور از این آیه ارائه داده با کسانی که در راه اطاعت از خدا و رسول استقامت می‌ورزند، تناسبی ندارد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ۱۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۰).

۶. الفاظ برای معنای عام وضع شده‌اند و نه معنای خاص. «الشهداء» در این آیه و آیه ۱۹ حدید «وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» معنای اصطلاحی دارند و در ۶ جا، معنایی دیگر دارند (دامغانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۴۷۱).

۷. الفاظ برای معنای واقعی و نفس‌الأمری وضع شده‌اند و باید هنگام کاربردشان، همان معنای وضع شده را به ذهن متبادر کنند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۶). اگر معنای «الشهداء» در این دو آیه، به معنای مطلق «گواه» و بدون دلالت تصدیقی معین باشد، بیهوده خواهد بود.

منشأ مخالفت با واژه «شهید» به معنای مصطلح آن را می‌توان در مبحث وضع الفاظ یافت. علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که باور دارد واژه «شهید» و مشتقات آن، در تمام قرآن به معنای «گواهان بر اعمال» است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۴۰۷ و ۲۹). بر اساس این الگوی مفهوم‌شناسی که در اندیشه ایشان با عنوان نظریه «عرف قرآن» نامیده می‌شود، هر واژه‌ای در سراسر آیات قرآن، تنها به یک معنای خاص حقیقت و جزمیت یافته‌است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸، ۱۳۵؛ بابایی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۲۳۲). این نظریه برخاسته از دیدگاه اصولی ایشان است که الفاظ برای مصداق مشخصی وضع نشده‌اند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱، ۱۸-۲۰).

از سویی دیگر، یکی از شرط‌های تسمک به عموم واژگان در فرآیند عصری‌سازی متون دینی، عدم انصراف است. بدین معنا که ذهن ما از شنیدن لفظ مطلق که قابل صدق بر مصادیق متعدد است، بدون قرینه به سوی یک مصداق معین از مصادیق این مطلق، یا یک مصداق معین، از مصادیق واژه مطلق منصرف نگردد. یا این انصراف، در متنی باشد که محفوف به قرینه‌های متصل باشد و یا اینکه انصراف به دلیل تشکیک در تغییر ماهیت واژه در فرض تسمک به عموم و اطلاقات واژه محقق شود. در این شرایط تسمک به عموم و اطلاق واژه جایز نیست (خوئی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۵۳۲-۵۲۱؛ لجنة الفقه المعاصر، ۱۳۹۸: ۱۵۹-۱۵۷).

در این میان، مفسری همچون شیخ طوسی (د. ۴۶۰ ق.) از موافقان دیدگاه میانی است و معتقد است که باید در میانه دو الگو، از رهگذر ریشه‌شناسی به حقیقت لفظ با عطف نظر به بافتار متن دست‌یافت. او معنای «الشهداء» در این آیه را «مقتول فی سبیل الله» دانسته که در وجه نامگذاری آن دو احتمال مطرح است. نخست آنکه او، به حق شهادت و گواهی داد تا این که در راه خدا کشته شد، و دیگر آن که او یکی از گواهان آخرت است که تا کشته شدن در راه خدا و پایان عمر در مسیر خدا استوار ماند (طوسی، بی‌تا: ج ۳، ۲۵۰). وی سعی نموده تا علاوه بر توجه به گوهر معنای واژه، به حقیقت آن در پرتو سیاق و بافتار متن دست یابد.

نکته پایانی در ارزیابی الگوی تحلیل عناصر متن بر اساس جمود بر ریشه‌شناسی و گوهر معنا، ایجاد شبکه معنایی «شهید» در قرآن کریم است که خاستگاه مذمت شهید به معنای مقتول در قرآن و حیات و تعیین خارجی شهید است. این در حالی است که اگر الگوی تحلیل عناصر متن بر اساس دیدگاه مخالف دیدگاه شحرور، یعنی حقیقت‌یابی در بافتار متن را بپذیریم، و شبکه معنایی «شهید» در قرآن کریم را بر این محور ایجاد کنیم، نه تنها شهید مصطلح مذموم نیست بلکه از جایگاهی والا و بسیار ستودنی برخوردار است که بسیاری از مسلمانان، پس از جنگ بدر آرزوی آن را داشتند (آل عمران: ۱۴۳؛ نساء: ۶۹-۷۰، ۷۷).

شبکه معنایی مفهوم «شهید» در قرآن کریم عبارتند از:

۸. «الشهداء» (آل عمران: ۱۴۰؛ نساء: ۶۹؛ حدید: ۱۹)،

۹. «الذین قتلوا فی سبیل الله» و مشتقات آن (آل عمران: ۱۵۷، ۱۶۹، ۱۹۵؛ نساء: ۷۴-۷۵؛ محمد: ۴-۶؛ بقره: ۱۵۴)،

۱۰. «قضی نحبه» (احزاب: ۲۳)،

۱۱. «یشری نفسه» (بقره: ۲۰۷)،

۱۲. «صاحبان رزق حسن» (حج: ۵۸)،

۱۳. «الموت» (آل عمران: ۱۴۳)،

۱۴. «احدی الحُسَینین» (توبه: ۵۲).

با توجه به قراین موجود و کاربرد کلمه «شهید» در قرآن، نمی‌توان با جزمیت به یک اصطلاح در تمام قرآن بسنده نمود و سایر عبارات و مصطلحات را نادیده انگاشت. منشأ اختلاف نظر در این مسأله را می‌توان به خلط میان گوهر یا روح معنا با حقیقت قرآنی الفاظی که در بستر قرآنی همچون سیاق و بافتار متن، هویتی مستقل یافتند، قلمداد نمود.

۳. الگوی تحلیل عناصر زیرمتن^۸

الگوی دیگری که در تفسیر عصری شحرور بسیار استفاده شد، الگوی تحلیل عناصر زیرمتن است. الگوهای تحلیل عناصر زیرمتن، از متون پیرامونی پیشین و مختصات آن به مثابه منبعی برای تبیین متن بعدی استفاده می‌کنند. شحرور با بهره‌مندی از کاربردهای قواعد ادبی و بلاغی به تفسیر و کشف مراد متن می‌پردازد. تحلیل ادبی و بلاغی او، فراتر از تحلیل لغوی است و به وسیله آن به معنای آیات دست می‌یابد. از جمله اصولی که وی در این مرحله بدان باورمند است، اصل عدم ترادف واژگان و ترکیب‌ها در کل مصحف است. بر این اساس، تمام عطف‌های مصحف هم از سنخ عطف نسق متغابری هستند و هیچ واژه مترادفی با هم عطف نشده‌اند (شحرور، ۲۰۰۸: ۳۱، ۱۰۳).

او نخست، به تمایز اوزان صرفی فاعل «شاهد» و فعل «شهید» با استناد به آیات می‌پردازد و تفاوت معنایی «شهادتِ شاهد» و «شهادتِ شهید» در قرآن کریم را متذکر می‌شود. او با استناد به آیات سوره‌های یوسف/۲۶، آل عمران/۱۸، ۵۳ و ۸۱، توبه/۱۷، احزاب/۴۵، انبیا/۵۶، قصص/۴۴، مائده/۱۱۳ و ۸۳، «شهادتِ شاهد» را بر پایه دانش، معرفت، درایت و اکتسابی می‌داند؛ نه مشاهده و معاینه حضوری (شحرور، ۱۹۹۶: ۲۱۸-۲۲۱)! برای نمونه در ماجرای حضرت یوسف (ع) و همسر عزیز مصر، درباره کسی که از خاندان همسر عزیز مصر، پیرامون رخداد محقق شده در پشت درهای بسته شده شهادت داد، از عبارت «و شَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهِ» (یوسف: ۲۶) استفاده شد. چرا که این شهادت بر اساس مشاهده حضوری نبود، بلکه بر پایه استدلال و با گزاره‌ای شرطی «این کان ... و این کان» ارائه شد (همان: ۲۱۶).

اما با استناد به آیات سوره‌های بقره/۲۸۲، آل عمران/۹۸، حج/۱۷، سبأ/۴۷، فصلت/۵۳، «شهادتِ شهید» را بر پایه مشاهده با گوش و چشم می‌داند. این شهادت صرفاً در فرض حضور در عالم مادی دنیا ممکن است و با مشاهده، شهادت حضوری صدق می‌کند. بنابراین، مرگ برای شهیدی که عالم حاضر نیست، اصلاً نمی‌تواند متصور باشد. اما در آیه «دین»، برای شهادت شاهد بیع از عبارت «وَ اسْتَشْهَدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ» (بقره: ۲۸۲) استفاده شده است. چراکه شهادت در هنگام عقد قرارداد بیع حضوری و با گوش و چشم محقق می‌شود (شحرور، ۲۰۱۶: ۱۹۶-۱۹۸). بنابر دیدگاه شحرور، شهادتِ شهید بر اساس معرفت حضوری است اما معرفت شاهد، بر اساس اخبار است.

معرفه حضوری ← سمیع بصیر ← شهید

8. Con-text.

معرفة إخبارية ← عليم خبير ← شاهد

او پس از این مرحله، به مسأله «عطف نسق دو امر متغایر غیب و شهادت» با استناد به آیه ۹ سوره رعد اشاره می‌کند. فرآیند شهادت در صورتی رخ می‌دهد که شهادت‌دهنده از مسأله‌ای که برای بقیه انسان‌ها غیب بود و نسبت به آن معرفت ندارند، به آن معرفت و اطلاع خواهد داشت. شهادت پیامبران بر یگانگی و توحید، اگر با استفاده از استدلال و داستان‌های انبیای پیشین باشد، شهادت شاهد است. اما اگر با استفاده از معجزه و تصرف در ماده کائنات باشد، شهادت شهید است؛ چرا که معجزه با چشم مادی قابل مشاهده و تصدیق است (شحرور، ۱۹۹۶: ۲۳۵-۲۳۶).

۳-۱. ارزیابی روش‌شناختی تحلیل عناصر زیرمتن

الگوی تحلیل عناصر زیرمتن از دیدگاه محمد شحرور، بکارگیری اسلوب قواعد ادبی و بلاغی را محدود و منحصر می‌داند. به گونه‌ای که برخی از قواعد ادبی و بلاغی را معتبر دانسته و برخی دیگر را نامعتبر می‌کند. این در حالی است که اگر در برابر دیدگاه شحرور در بکارگیری اسلوب قواعد ادبی و بلاغی به شمول‌گرایی باورمند باشیم، به نتایج دیگری دست خواهیم یافت.

داده‌های مورد استناد در پژوهش او، حتی با قواعد ادبی و بلاغی مورد قبول وی نیز سازگار نیست. همانطور که پیش‌تر ذکر شد، او بر این باور است که تمام عطف نسق‌های قرآن کریم از نوع عطف دو متغایر است و هیچ واژه مترادفی بر هم عطف نشده‌اند. از سویی دیگر، او در حالی معنای مصطلح شهید را مساوی مرگ می‌داند که در سه آیه قرآن کریم، با عباراتی مثل «قتلوا أو ماتوا» (حج: ۵۸)، «قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ» (آل عمران: ۱۵۷) و «مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ» (آل عمران: ۱۵۸) به یکدیگر عطف شده‌اند. اگر عطف ماده «قتل» و «موت» هر کدام از این دو عطف متغایر مترادف باشد، دیدگاه شحرور ناصواب است. اگر این عطف‌ها متغایر باشند، آنگاه ادعای ترادف و یکسان بودن مرگ و شهادت ناصواب است. اما اگر این عطف‌ها مترادف باشند، ادعای انحصارگرایانه شحرور مبنی بر استعمال صرف عطف نسق متغایر در قرآن کریم صحیح نیست.

مسأله‌ای که بر اساس دیدگاه انحصارگرایی در الگوی تحلیل عناصر زیرمتن، موافق با دیدگاه شحرور مطرح می‌شود، اشکال بر حیات و تعین خارجی شهید است. از جمله مطالبی که در آیات ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹ آل عمران به آن اشاره شده است، مسأله حیات حقیقی شهید پس از مرگ است. نه آنکه صرفاً در معاد، حیات داشته باشند یا آنکه نام و یادشان همواره زنده باشد، بلکه بنابر ظاهر آیه حیاتشان حقیقی است (رازی، ۱۴۰۸: ۵، ۱۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۲۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ج ۳، ۲۰۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۴: ج ۱، ۶۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ۳۵).

نکته‌ای که بر اساس دیدگاه شمول‌گرایی در الگوی تحلیل عناصر زیرمتن، در تفسیر آیات جهاد و شهادت در قرآن کریم حائز اهمیت است، تقدم و تأخر افعال «مُتُّمْ» و «قُتِلْتُمْ» در آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ آل عمران است. در سال سوم هجرت و در جنگ أُحُد، گروهی از مشرکان و منافقان برای جلوگیری از

شرکت مسلمانان در این جنگ، شبهه‌ای مطرح کردند، مبنی بر این که اگر کسی به جنگ برود، خواهد مُرد و هدر می‌رود و این کار فاقد هر گونه ارزشی است، ولی اگر در شهر بماند و از حضور در جنگ امتناع ورزد، می‌تواند به زندگی خودش ادامه داده و به جمع مال و ثروت بپردازد (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۱۶). در پاسخ به این شبهه، مسأله مغفرت و رحمت خدا در آیه ۱۵۷ مطرح شد، و شهادت را بر مرگ مقدم داشت. چرا که شهیدان به آمرزش و رحمت خدا نزدیک‌تر و دارای حیات جاودانه‌اند: «وَلَيْسَ قَتَلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ».

اما در آیه ۱۵۸ که مسأله حشر به سوی خدا مطرح شده، مرگ بر شهادت مقدم شده است. چرا که اکثر انسان‌ها از این مسیر به سوی خداوند محشور می‌شوند و اندکی توفیق شهادت می‌یابند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳، ۲۶۴-۲۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۵۵-۵۶): «وَلَيْسَ مِتُّمْ أَوْ قَتَلْتُمْ لِآلِي اللَّهِ تُحْشَرُونَ».

۴. الگوی تحلیل عناصر فرامتن^۹

الگوی تحلیل عناصر فرامتن در تفسیر شحرور، ناظر به توسعه مصادیق و تأویلات عصری است که از ضابطه روشمندی پیروی نمی‌کند. عمده استناد وی در این بخش، به بن‌مایه‌های نظری‌اش بر می‌گردد. او معتقد است، رجوع به قرائت‌های پیشینیان به منزله تعطیلی عقل است. پس تمامی ارتکازات عصری ما از معانی آیات، معتبرند. مجموعه معارف و حیانی ناظر به اتفاقات عصر و زمان محدود است و نمی‌توان اقتضانات حیات نسل‌های بعدی را در همان رخداد‌های نسل نزول وحی خلاصه نمود. ناگزیر درباره احکام باید اقتضانات زمان و مکان را هم در نظر گرفت (شحرور، ۲۰۰۸: ۲۹-۳۰). این که انسان معاصر وقتی متن را مطالعه می‌کند و از این رهگذر یافته‌هایی را برای زندگی خود می‌یابد که از قرائت‌های پیشین متفاوت است، نشانگر ثبات متن و پویایی محتوا است. پس قرآن کریم همواره می‌تواند با «خوانش معاصرانه» همراه باشد (همان: ۳۵).

شحرور در گام پایانی تفسیر مفهوم قرآنی «شهید»، تأویلی معاصرانه از آن ارائه می‌دهد. او با استناد به آیه ۱۹ سوره انعام، قوام دنیا را به این دو شهادت (شهادت شهید و شهادت شاهد) دانسته و در عالم وجود مفهومی بالاتر از این مفهوم ندانسته است. اکتشافات علمی که بر بسیاری از مردم غیب بود و توسط مخترعان کشف می‌شود، شهادت است. تمام اکتشافات علمی دنیا یا به تأسیس نظریه عقلی یا اجرای تجربه اکتشافی ختم می‌شود. مخترعی که به تأسیس نظریه عقلی دست می‌یابد، شاهد است. مثل ریاضی‌دانان، فیلسوفان و همچنین انیشتین که نظریه نسبیت را کشف نمود «شاهد» هستند. اما در مورد گروه‌هایی از دانشمندان که آزمایش‌هایی برای اندازه‌گیری سرعت نور انجام دادند و ثابت کردند که نور هنگام عبور از کنار خورشید منحرف می‌شود؛ آنها «شهید» هستند. همچنین، کسانی مثل روزنامه‌نگارانی که علیه ظلم یا تزویر شهادت می‌دهند تا این که برای مردم رخدادی را مخابره کنند،

^۹. Paratext.

شهید هستند. کسانی که در مقابل حاکم ظالم ایستادند و او را امر یا نهی کردند و سپس کشته شدند، «سیدالشهدا» هستند! دانشمند و پزشک هلندی که بیماری وبا را در اندونزی مشاهده نمود و خود را در معرض این بیماری قرار داد تا بتواند به عنوان یک پزشک، احساس یک بیمار مبتلا به وبا را داشته باشد و این مسأله به او در تشخیص و درمان بیماری وبا کمک کرد، سپس جان داد و تاوان این اختراع را با جانش پرداخت، «سیدالشهدا» بود (شحرور، ۱۹۹۶: ۲۵۱-۲۶۳).

۴-۱. ارزیابی روش‌شناختی تحلیل عناصر فرامتن

بر اساس دیدگاه شحرور، پس از روشن شدن معانی و مقصود آیه، می‌توان برای آن مصادیق معاصرانه یافت و قابل تطبیق است. این مسأله که در مطالعات علوم قرآنی با عنوان «قاعده جری و تطبیق» یاد می‌شود به خلاف دیدگاه شحرور از سنت برخاست. بنابر روایات، قرآن کریم همچون خورشید، پیوسته جریان داشته و می‌درخشد؛ اما دانش تأویل آیات نزد اهل بیت (ع) یا راسخان در علم است (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۹۶، ۲۰۳). بر این اساس، تعریف قاعده جری و تطبیق آن است که آیات قرآن از حصار محدود رخدادهای عصر نزول و اسباب آن خارج و نسبت به آیندگان، همانند گذشتگان جاری می‌شود (رستم‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۴۱).

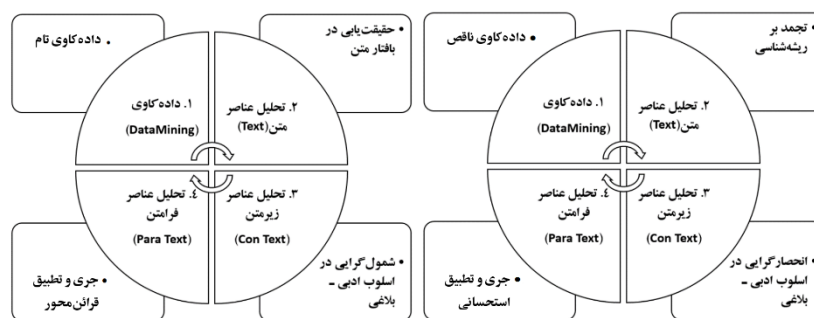
پس از پذیرش اصل و ضرورت‌مندی خوانش عصری متن مقدس، پرسشی مطرح خواهد شد که قاعده جری و تطبیق، با چه ضوابطی محقق می‌شود؟ دیدگاه‌های عمده در میان مفسرانی که به الگوی تحلیل عناصر فرامتن معتقد بودند را در دو گونه می‌توان خلاصه نمود. برخی بر این باورند که مفردات قرآن کریم برای دلالت خاصی وضع نشده‌است؛ بلکه مضمون تفسیر آن از قبیل الهم‌هایی است که نه مقید به زبانی است و نه ضابطه‌مند (زرقانی، ۱۳۹۴: ۶۴۲). مفسر، صرفاً بر اساس عرف و مقتضیات زمان به تطبیق مصادیق با آیات قرآن می‌پردازد (سعدی، ۱۴۱۳: ۷۹). بر اساس این دیدگاه، چون در اساس وضع مفردات از ضابطه معینی پیروی نمی‌شود، جری و تطبیق آن نیز می‌تواند متکی بر استحسان، گرایش‌ها و پیش‌فرض‌ها باشد.

اما برخی دیگر معتقدند که برای عصری‌سازی متن با تجمیع تمام قرائن عقلی و نقلی، به گونه‌ای که لفظ از هویت حقیقت‌یافته در متن فاصله نگیرد، بلکه مصادیق نوینی یابد، می‌توان به نحو ضابطه‌مند از قاعده جری و تطبیق بهره جست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۴۲-۴۴۳). ارتباط مفهومی میان مفهوم ظاهری آیه و جری، یکی از ضوابط این قاعده‌است (طباطبایی، ۱۹۰: ج ۱۱، ۳۲۷؛ برای مطالعه بیشتر پیرامون ضوابط جری و تطبیق رک. نفیسی، ۱۳۹۳: ۱۷-۲۱). مثلاً درباره مفهوم «شهید»، مصداق عصری باید دو ویژگی آن یعنی «کشته شدن» و «در راه خدا بودن» را دارا باشد. در تعریف این قاعده نیز آمده‌است که ابتدا با قطع نظر از مصداق و شأن نزول آیه و با حفظ مختصات و هویت مفهوم، به تطبیق مفهوم عام بر مصادیق می‌پردازیم (معرفت، ۱۴۲۷: ۱۶۶). گاهی هم ممکن است برای روزآمدسازی آیات احکام، از هویت و حقیقت مفهوم دست کشیده شود. وقتی در موقت

بودن یا ابدی بودن احکام تردید وجود دارد، اصل ابدی بودن احکام است و نباید به بهانه‌هایی همچون اقتضائات زمان و مصالحی به تبدیل یا توجیه پرداخت (شهید اول، ۱۴۰۰: ج ۱، ۲۱۱). بنابراین، برای عصری‌سازی آیات قرآن کریم، نمی‌توان ظهور آیات و قرائن عقلی و نقلی آن را در نظر گرفت و صرفاً بر اساس پیش‌فرض‌ها جری و تطبیق نمود، بلکه با رویکردی استنتاجی، مسأله موضوعات مستحدثه را به قرآن عرضه نمود و احکام را از قرآن دریافت نمود (صدر، بی‌تا: ۲۸).

نتایج

این نوشتار، با تقسیم‌بندی اجزای نظریه تفسیری محمد شحرور و جانمایی آن‌ها در ذیل عنوان الگوهای تفسیر عصری، دیدگاه او را تبیین نموده‌است. سپس به تبیین پیامدها و دستاوردهای تفسیری متفاوت برخاسته از این دیدگاه پرداخته‌است. در دو نمودار زیر، علاوه بر ذکر عناوین الگوها، دو دیدگاه موافق و مخالف الگوی تفسیر عصری‌گرایانه وی ذکر و با هم مقایسه خواهند شد. هر کدام از این الگوها را نمی‌توان مجزا در نظر گرفت و در مراحل تفسیر با یکدیگر در ارتباطند.



نمودار ۱- روش تفسیر عصری شحرور و روش مخالف آن

۱. الگوی داده‌کاوی، پیرامون کمیت استخراج آیات و داده‌است که در فرآیند تفسیر، مورد استناد است. شحرور با طرح نظریه‌های «آیات الکتاب»، «آیات القرآن» و «دیالکتیک متن - مخاطب»، به طرد مجموعه‌ای از آیات و منابع تفسیری پرداخته‌است. اما در دیدگاه مخالف، با پذیرش حجیت حداکثری کتاب و سنت، داده‌های گسترده‌تری را به عنوان منبع تفسیر و احکام می‌پذیریم. از جمله دستاوردهای دیدگاه مخالف آن است که سبب نزول خاص، مخصّص حکم و دلالت عام آیات نیست.

۲. موضوع الگوی تحلیل عناصر متن، فهم ظاهر و مقصود متن است. شحرور برای فهم متن، بر ریشه‌شناسی واژه جمود کرده و به تسری آن به تمام متن پرداخته‌است. مثلاً کلمه «شهید» در تمام قرآن به معنی «گواه» است، اما در دیدگاهی، حقیقت لفظ و از جمله شهید را در بافت متن معنا می‌کنیم و معنای دیگری به دست می‌آید. از جمله دستاوردهای این دیدگاه، می‌توان به پذیرش

خاستگاه وحیانی مفهوم شهید در قرآن کریم و توسعه روابط شبکه‌ای واژگان حوزه معنایی «شهید» در قرآن کریم اشاره نمود.

۳. در الگوی تحلیل عناصر زیرمتن، متون پیرامون متن، منبع تبیین متن بعدی است. شحرور با بهره‌مندی از کاربرد قواعد ادبی و بلاغی محدود، به تفسیر و کشف مراد متن می‌پردازد. دیدگاه مخالف، شمول‌گرایی در الگوی تحلیل عناصر زیرمتن است؛ به گونه‌ای که اگر بکارگیری این قواعد در فرآیند استنباط متن رواست، گزینشی نسبت به برخی صورت‌نگیرد. با استفاده از این قواعد می‌توان به برخی شبهات در موضوع جهاد و شهادت، از جمله جایگاه و تعیین خارجی شهید پاسخ داد.

۴. الگوی تحلیل عناصر فرامتن، ناظر به توسعه مصادیق و تأویلات عصری است که در مطالعات قرآنی «قاعده جری و تطبیق» نام دارد. اگر در مسیر توسعه مصادیق و تطبیق همچون شحرور، براساس استحسان عمل کنیم، احتمال خطاپذیری و تفسیر به رأی بسیار است. اما اگر در فرآیند جری و تطبیق، تمام قرائن عقلی و نقلی استفاده شوند، به گونه‌ای که معنا از ظاهر و هویت حقیقت‌یافته در متن فاصله‌نگیرد، احتمال خطاپذیری و تفسیر به رأی در فرآیند عصری‌سازی کمتر است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: اسعد محمد طیب. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحرير و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر (۱۴۲۴). تفسیر ابن عربی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- آخوند خراسانی [محمد کاظم بن حسین خراسانی] (۱۴۰۹). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۹). مکاتب تفسیری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جانی پور، محمد (۱۳۹۲). «بررسی مفهومی و مصداقی «مقتول فی سبیل الله» از دیدگاه قرآن و روایات». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم. ۱۰ (۱)، ۷۹-۱۰۱.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰). درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم. تصحیح: محمد ادیب شکور. اردن: دارالفکر.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تحقیق: محمدباقر محمودی. تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
- حکیم، محمدباقر (۱۳۷۸). علوم قرآنی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- خاکپور، رحیم و شاهنده، آمنه (۱۳۹۷). «نگرشی انتقادی بر جریان حدیث سالاری در ایجاد رابطه معنایی بین «شهید» و «مقتول فی سبیل الله» در متن قرآن». فصلنامه علمی علوم حدیث. ۲۳ (۸۸)، ۱۴۴-۱۶۵.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۶۸). أجود التقريرات. قم: کتاب فروشی مصطفوی.

دامغانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). الوجوه و النظائر لالفاظ كتاب الله العزيز. تحقيق: محمد حسن ابوالعزم زفیتی. قاهره: جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة احياء التراث الاسلامي.

رازى، ابوالفتوح حسين بن على (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن. مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۴). تفسیر الراغب الاصفهانی من اول سورة آل عمران و حتى نهايه الآيه (۱۱۳) من سورة النساء. تحقيق: عادل بن على شدى. رياض: مدار الوطن للنشر.

رجب زاده شيرين، عباسى مهرداد، ايازى محمدعلى (۱۴۰۰). «بررسی دیدگاه محمد شحرور در تفسیر نوآندیشانه او.» نشریه علمی مطالعات تفسیری. ۱۲ (۴۷): ۲۲۹-۲۵۰.

رستم نژاد، مهدی (۱۳۹۴). پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

رضایی اصفهانی، محمدعلى (۱۳۸۷). منطق تفسیر قرآن. قم: جامعة المصطفی العالمية.

زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۹۴). ترجمه مناهل العرفان فى علوم القرآن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰). البرهان في علوم القرآن. بيروت: دار المعرفة.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الكشف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقبول فى وجوه التأويل. تصحيح: مصطفى حسين احمد. بيروت: دارالكتاب العربي.

سعدی، عبدالرحمن بن ناصر (۱۴۱۳). القواعد الحسان لتفسير القرآن. عربستان سعودی: دار ابن الجوزیه.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱). الإیتقان في علوم القرآن. بيروت: دارالكتاب العربي.

شحرور، محمد (۱۹۹۰). الكتاب و القرآن قراءة معاصرة. دمشق: اهالی للطباعة و النشر و التوزيع.

_____ (۱۹۹۶). الاسلام والایمان منظومة القيم. دمشق: اهالی للطباعة و النشر و التوزيع.

_____ (۲۰۰۸). تجفيف منابع الإزهاب. بيروت: مؤسسة الدراسات الفكرية المعاصرة.

_____ (۲۰۱۰). القصص القرآنی قراءة معاصرة. بيروت: مؤسسة الدراسات الفكرية المعاصرة.

_____ (۲۰۱۶). الاسلام والانسان من نتائج القراءة المعاصرة. بيروت: دارالساقی.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰). القواعد و الفوائد. تحقیق: سید عبدالهادی حکیم. قم: کتاب‌فروشی مفید.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی.

صدر، محمد باقر (بی‌تا). المدرسة القرآنیة. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع). تصحیح: محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

_____ (بی‌تا). حاشیة الکفاية. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اردن: دارالکتب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). جوامع الجامع. تهران: دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی.

تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ محمدموسایی، زینب و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). «تحلیلی بر کارکردهای هوش مصنوعی در علوم اسلامی». «پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش». ۴ (۴۳)، ۱۰۸-۱۲۳.

لجنة الفقه المعاصر (۱۳۹۸). الفائق فی الاصول. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

ماتریدی، محمد بن محمد (۲۰۰۵). تفسیر الماتریدی (تأویلات اهل السنة). بیروت: دارالکتب العلمیة.

ماوردی، علی بن محمد (بی‌تا). النکت و العیون تفسیر الماوردی. تعلیق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

معتمد لنگرودی، فرشته و فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۹۹). ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم. پژوهش‌های قرآنی. ۲۵ (۹۴)، ۴۵-۶۶.

معرفت، محمدهادی (۱۴۲۷). التأویل في مختلف المذاهب و الآراء. تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية. المعاونة الثقافية. مركز التحقيقات و الدراسات العلمية.

مكارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.

منتظری، اشرف و خانی، حامد [فرهنگ مهروش]. «شهید از گواه محکمه تا کشته راه دین: زمینه‌های قرآنی شکل‌گیری انگاره.» «مطالعات تاریخی قرآن و حدیث. ۱۳۹۸؛ ۲۵ (۶۶): ۱۲۳-۱۵۴.

نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱). اعراب القرآن. بیروت: دارالکتب العلمية، منشورات محمد علي بیضون.

نقیسی، شادی (۱۳۹۳). مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی. قرآن‌شناخت. ۶ (۲): ۵-۲۶.

نقیسی، شادی و بقری، سعید. (۱۳۹۸). رویکرد محمد شحرور به سنت و گستره حجیت روایات. حدیث پژوهی. ۱۱ (۲)، ۷-۴۲.

همدانی، قاضی عبدالجبار بن احمد (۱۴۲۶). تنزیه القرآن عن المطاعن. بیروت: دارالنهضة الحديثة.